



احمدرضا سازگرنژاد

در تاریخ ۲۳ تا ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ یادداشتی که تحت عنوان «انبان‌های تهی از دانش» برای روزنامه «شرق» نوشته، به روند افول معرفی و علمی پژوهشگاه‌ها و اندیشکده‌های دولتی که در نقش تصمیم‌ساز سیاست‌گذاری ملی ایفای وظیفه می‌کنند، اشاره کردم و تبعات عقب‌ماندن ایران از قافله پرشتاب جهان در حال تغییر را برشمردم. در ماه‌های اخیر و به‌ویژه پس از روی کارآمدن دولت سیزدهم، شاهد بعد معتری‌تری از این افول معرفی و در دستگاه‌های تصمیم‌ساز هستیم و با هم‌افزایی از مجموعه‌ای از شیءعلم، است، یعنی جایگزینی کارشناسان توانمند و صاحب تجربه با کارشناسانی بی‌تجربه و تهی از دانش و معرفت علمی که در اندک‌زمان، خسارت‌های فراوان و قابل توجهی برای کشور در پی داشته است. شناسایی و مقابله با شیءعلم باید یکی از سخت‌ترین چالش‌هایی باشد که اهالی علم و تحقیق و معرفت با آن روبرو هستند. شیءعلم کسانی که بر پایه آن اظهارنظر می‌کنند و برای مسائل کلان ملی، استانی و محلی راهکار ارائه می‌دهند، حائز چند ویژگی مشترک‌اند که اشاره به آنها می‌تواند در مسیر مواجهه با این پدیده نامیومن کمک‌کننده باشد.

انبان‌های تهی از دانش (۲)

سیاست‌گذاری شبه علمی؛ تهدید، بحران

نخست، اهالی شیءعلم حرف‌های خود را با زبان ظاهراً علمی بیان می‌کنند، بدون آنکه از روش علمی استفاده کنند و بهره‌گیرند، کسانی که مشغول به کار علمی و تحقیقاتی باشند، می‌دانند که در هر حوزه‌ای از علم، چه علوم طبیعی یا چه علوم اجتماعی، روش تحقیق علمی برای رسیدن از مجموعه‌ای از مشاهدات یا داده‌ها به یک نتیجه معتبر، پیچیدگی‌های روشنی و نظری فراوانی دارد و نیازمند دقت‌های فراوان و شکیناکانه است تا بتوان یک نتیجه‌گیری صادق که برآمده از مجموعه‌ای از مشاهدات است، استخراج کرد. در این میان اهالی شیءعلم، در اظهارنظرهای خود به طور قابل مشاهدایی از این بخش کلیدی و اساسی عبور کرده و تصورات و درک بیرونی خود را پدیدباره را به عنوان نظر علم و تحقیق بر عموم جامعه تحمیل می‌کنند. بر پایه همین پیش‌بینی‌ها، پیشنهادها و توصیه‌های نادرست، غیرعلمی، غیرکارشناسی و آرزووار کارشناسان و بدنه تصمیم‌ساز کشور، تصمیم‌گیران مملکتی پیش‌بینی‌های اشتباهی مانند زمستان سخت اروپا و بالا رفتن جاذبه‌زنی ایران در فصل زمستان در مذاکرات برجام، مفیدنبودن بانک‌های خصوصی در کشور و لزوم تقویت بانک‌های

دولتی، ایجاد شغل با یک میلیون تومان و بسیاری مثال‌های دیگر را مطرح می‌کنند که بظان آنها امروز بر مسئولان و عموم مردم عیان شده است، پیشگویی‌هایی که نادرست‌بودن آنها برای احسان علم از بدو مطرح شدن دیدهی بوده، اما استفاده از شیءعلم برای ارائه چنین دیدگاه‌هایی، هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراوانی را برای کشور و مردم به جای گذاشته است. دومین ویژگی مشترک اهل شبه‌علم نفوذ احساسات بر واقعیات است. ساکنان فرایندهای اجتماعی-اقتصادی دارند، برخورد سلیقه‌ای و احساسی می‌کنند. برای مثال گزارش‌های مرکز ملی فضای مجازی پیرامون کوچ مردم از پلتفرم‌های خارجی به پلتفرم‌های داخلی در یک قطعی و محدودیت شدید اینترنت در چند ماه اخیر که با واکنش شدید بیشتر کارشناسان فناوری اطلاعات در کشور مواجه شد، به نسبت‌دادن علت باخت تیم ملی فوتبال به انگلیس در جام جهانی به بی‌غیرتی«فوتبالست‌ها، صفتی که نه‌تنها معنای علمی و تخصصی ندارد، بلکه قابل اندازه‌گیری نیست و

به‌قدری سیال است که می‌توان در هر شرایطی از آن استفاده کرد، همه یانگرو چه دهم از تفکر افراد دارای شیءعلم است. جالب آنکه صفت «بی‌غیرت» کمی قبل‌تر از درست‌بودن آنها برای احسان علم از بدو مطرح شدن دیدهی بوده، اما استفاده از شیءعلم برای ارائه چنین دیدگاه‌هایی، هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراوانی را برای کشور و مردم به جای گذاشته است. سومین ویژگی مشترک اهل شبه‌علم نفوذ احساسات بر واقعیات است. ساکنان فرایندهای اجتماعی-اقتصادی دارند، برخورد سلیقه‌ای و احساسی می‌کنند. برای مثال گزارش‌های مرکز ملی فضای مجازی پیرامون کوچ مردم از پلتفرم‌های خارجی به پلتفرم‌های داخلی در یک قطعی و محدودیت شدید اینترنت در چند ماه اخیر که با واکنش شدید بیشتر کارشناسان فناوری اطلاعات در کشور مواجه شد، به نسبت‌دادن علت باخت تیم ملی فوتبال به انگلیس در جام جهانی به بی‌غیرتی«فوتبالست‌ها، صفتی که نه‌تنها معنای علمی و تخصصی ندارد، بلکه قابل اندازه‌گیری نیست و

دارای درجات علمی قابل توجهی هستند اما مورد دعوت صدواسیم‌ا قرار نگرفته‌اند. همچنین و از سوس دیگر رواج مدرک‌گرایی افسارگسیخته و تبدیل‌شدن جایگاه هیئت علمی در دانشگاه‌ها به سکوی پرتاب و ساحل امن؛ همگام با داشتن سابقه دلیل عدم موفقیت مدبران کشور در اداره کشور مورد استفاده قرار گرفت، کسی که با وجود کمبود بودن داشتن صلاحیت‌های لازم، فرامی‌گرفت و ناگفته‌ی شهرت و جایگاه علمی ایشان و درکشان از واقعیت بیرونی شاید حتی به اندازه یک دانشجوی دوره لیسانس از یک دانشگاه معتبر کزیز نباشد. این شیوه از مدرک‌گرایی به روش غیرعلمی و اخد جایگاه استادی، اعتمادبه‌نفس فوق‌العاده و کاذبی برای ایشان پدید آورده تا در هر حوزه‌ای اظهارنظر کرده و براساس آن دولت و مردم را بر آن بخواهند تا از نظرات ایشان پیروی کنند و رسانه‌های غیرمستقل نیز شورشیه‌نگار بلندگوی صدای ایشان شده‌اند.

در چنین بستری، با خروج یا مهاجرت نخبگان از ساختار سیاست‌گذاری رسمی به بیرون از ساختار رسمی یا به خارج از کشور و جایگزینی ایشان با سیاست‌گذارانی که

اول، اهل دانشگاه باید با تمام قوا در برابر سازوکارهای مقوم مدرک‌گرایی بایستد. یکی از مهمترین مکانیسم‌هایی که متأسفانه به تقویت این روند در شرایط فعلی کشور می‌پردازد، خدمت اجباری سربازی برای پسران ارشد که مهم دیگر انگشنان صاحب علم در این مسیر می‌تواند اهتمام به تربیت شاگردانی باشد که بتوانند روش علمی را برای حل مسائل بلند کارگرفته و پرچم آن را برافراشته کنند. در این مسیر صدواسیم‌ا دانشگاه باید از مسیرهای شایسته‌سالارانه و بدون ابواب و اقسام راتحاد، تبعیض‌ها و امتیازات انتخاب شیوند تا مهمترین مانع رشد تفکراتیبنی این نوع از افراد در دانشگاه ایجاد شود.

دوم، شبکه‌های اجتماعی، به عنوان رسانه‌های در اختیار عموم مردم، می‌توانند بستری برای آگاهی‌بخشی نسبت به تحلیل‌ها و سیاست‌های پیشنهادی این دست افراد باشند. این روزها، شبکه‌های اجتماعی با خطر جدی دربرگیرنده‌شدن اطلاعات نادرست مواجه‌اند، جایی که در آن ربات‌ها، رسییدن برخی صریح به عموم جامعه را با چالش‌های جدی مواجه می‌کنند، اما همچنان در دسترس‌ترین بستر تعامل

عمومی در نبود رسانه‌های مستقل‌اند. سوم، شیوع آگاهی‌بخشی از خانواده و گروه‌های دوستی، بستر خانوادگی و دوستانه شاید مهمترین زیرساخت تعامل اجتماعی روزانه ما باشد و جایی است که در آن حیات دردی و اجتماعی ما به هم پیوند می‌خورند، باید از این ظرفیت بزرگ استفاده کرده و اطلاعات نادرست‌را در به بحث گذاشته و بظان آنها از نشان دادن و اثبات و اصلاح حلقه‌ای بحث و مطالعه کتاب، فیلم و… خانوادگی، فامیلی و دوستانه شاید کم‌هزینه‌ترین و ارگ‌اثرترین مسیر برای آگاهی‌بخشی جمعی باشد.

مواجهه با شیءعلم به واسطه ظاهر دل‌رای آن چالش‌های فراوانی در پی خواهد داشت، چراکه تنها راه آگاهی‌بخشی اجتماعی است، فرایندی که باعث می‌شود چنین

مناق به یازرشتی، خریدار نداشته باشد. امید است که با همکاری همه‌جانبه جامعه

دانشگاهی کشور و مسئولان اجرایی و نهادهای ناظر و قانونی شاهد فروغ‌شدن

چراغ احسان شیءعلم باشیم.

● **روهنگشتر سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری**

شرایط خرابی نادرند، بحران مخاطب جدی است، طبعاً وضع در بازار بین الملل خوب نیست و رایت بخش خارجی فیلم‌های پشت سد اکران مانده، هنوز فروش نرفته است، در حالی که اگر این پیشنهاد با ایده‌ای که داشتم محقق می‌شد، می‌توانست به تنوع سبد تولیدات سینما و پلا‌فرن میزبان مشارکت بخش خصوصی بعد از دوران کرونا کمک کند. مشکل دیگری که در این سال‌ها با آن روبرو هستیم این است که عمدتاً طبقه متوسط و عموم مردم را در سینمای ایران در نظر نگرفیم. در حکمرانی فرهنگی باید به این طبقه توجه جدی شود.

- دیدگاه‌تان را درباره حکمرانی فرهنگی تشریح کنید.**

دو سال پیش در زمان وزارت دکتر سیدعباس صالحی، پژوهشی در وزارتخانه منبی بر ادیبهای جهت حکمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای طراحی ساختار نوین وزارتخانه با لحاظ فضای قضای مجازی بررسی شد. در این مورد با خبریانی در حوزه فرهنگ و هنر حاضر شده شد. من هم در آن گفت‌وگو به چند نکته اشاره کردم. این نکات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ثبت شده است. ولی بعدی دانه‌مدیران فعلی آن آن مطالعه کرده باشند، دو سه سال پیش لزوم تحول در حکمرانی فرهنگی موضوع مورد بحث در وزارت ارشاد بود. شاید پرسش اساسی ما این باشد که نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ساختار کلی رزست‌موم فرهنگ کشور چیست؟ این سؤال مهمی است. فضای مجازی را چگونه تعریف می‌کنیم و کجای این رزست‌موم آن را می‌انباریانی می‌کنیم؟ یعنی اگر با فضای مجازی را یک رزست‌موم رزیز ببینیم، حکمرانی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رسماً سازمان صدواسیم‌ا، کجای این رزست‌موم هستند؟ و متأسفانه به دلیل اختلافی که بین وزارت ارشاد و سازمان صدواسیم‌ا وجود دارد، نگاه این دو نهاد به حکمرانی فرهنگی واحد نیست. حقیقت این است که مدیریت فرهنگی کشور هم در حوزه سیاست‌گذاری، تولید و نشر محتوا که دورکن آنها یکی وزارت ارشاد است و یکی سازمان صدواسیم‌ا، دچار تقاطق و چنددستگی شده است. تولیدکنندگان و اهالی فرهنگ و هنر هم سال‌ها این تقاطق را امتحان می‌کنند.

فیلم ویرمی‌توسط تقریباً می‌توان گفت اغلب فیلم‌های سینمایی، بدون برآورد جدی و بدون پاسخ به این پرسش‌ها می‌آخته می‌شود. یکی از اهداف ما در فارابی ایجاد فرهنگ کسب‌وکاری در سینمای ایران با تأسیس مرکز شناسایی و نوآوری؛ بود که متأسفانه مجموعه کسک‌اندازها و مخالفت‌هایی که در داخل سازمان سینمایی و بخش‌های دیگر وزارت ارشاد شد و با وجود موفقیت کرد سورتا ستاری معاون علمی و فناوری وقت ریاست‌جمهوری و معاون ایشان متأسفانه از سوی سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این هماهنگی‌ها کامل نشد و ما یک فرهنگ دو سه‌ساله برخی مدیران حال حاضر، مان چند کورک معروف موسیقی خارجی را بپرسید، چند زبانی نام‌نمائی ولی قرندت این مدیر اسامی‌ها می‌داند. ما سال‌هاست از سواد رسانه‌ای حرف می‌زنیم و متأسفانه هنوز سواد رسانه‌ای هم بین مدیران فرهنگی کشور سطحش پایین است. ما به نظر این چنین‌ای چالش‌های جدی مدیران کشور است این فقط منوط به این نیست و در دنیا در مدیریت با این چالش‌های روبه‌رو هستیم اما با شناخت درست، راهکارهایی برای آن باید یافت و از بسیاری از مدیران فرهنگی ما می‌تواند ایجاد انگیزه‌کنند و آموزش بدهند تا بتوانند نیروی انسانی را در آن فعال کنند. این اتفاق خارج از یک دهه گذشته در صورتی نیست. بسیاری از مدیران فرهنگی حکمرانی دولت نوعی غرض‌گرایه بسیار ضعیف است. به نظرم باید مفهوم دولت و فرهنگ را حکامیت و بازتربیت فرهنگی کشور به تفکع فرهنگی‌های ایران و وزارتخانه‌های فرهنگی توسط مرکز فضای مجازی هستیم اما در این دیدگاهی نیازمند تولیدات ارشد است که به نظر این اقتدار وجود دارد، یکی از مهمترین وظیفه‌های ارشد اقتداری در کشور به منابع دیدگاه‌های و ایجاد فناوری‌های مبتنی بر روش‌های نو، داده‌های آف‌لایند و ذخیره‌سازی‌ها هستند اما در کنار این، ما خود صدواسیم‌ا در بارش‌های مختلف و غیرفازرشی زده کرده و این بخش از حکامیت که دولت تولیدکننده‌هایمنه با فناوری‌ها دسترس ندارد. در بازگویی باید دید ظرفیت‌های لازم برای این بازتربیت به تفکع مصالح علمی در سینما، باید به مصالح ملی اولویت داد نه نگاه سیاسی، رویکردی که سال‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدواسیم‌ا داشته است. نوعی «ظنظار محتوایی» دارند بازنده بود. در حالی که تحولات فناوریانه اخیر نیاز به تغییر چهره رسانه‌ای را پتانسیل دارد. در این زمینه کورک‌مردمودت پلتفرم‌های فرهنگی در دهه

صحت شد. بحث ظرفیت‌سازی‌های اطلاعاتی است که در ۲۰ ساله گذشته سیدمحمد بنی‌تغی نقل می‌شود. یوه دهه ۹۰ و ۲۰۰۰ حکمرانی که در یک فضای آتلف تعریف می‌شد. در این سال‌ها شاهد تحولات نسلی هستیم. اسامه‌کردم یکی از اختلافات من در بنیاد سینمایی فارابی ایجاد بستی برای فعالیت فیلم‌سازان نسل نو بود. ۱۲۰۰ فیلم‌سازان در مدت حضور همتاسان من در فارابی این امکان را پیدا کردند اولین با دومین فیلمشان با سانساز. ما با نسلی مواجه هستیم که احاطه خوبی روی فضای دیجیتال دارد و در صرافا فرهنگ‌کننده نیست بلکه تولیدکننده محتوا هستند. از طرف دیگر نیاز دیگری در مخاطبان ما وجود دارد که آنها هم احاطه خوبی روی فضای مجازی دارند و صرفاً تولیدکننده نیستند. تولید محتوا هم در فضای مجازی رشد جدی پیدا کرده است و الان ما هم مصرف‌کننده شدید و هم تولیدکننده و این ویژگی دوران معاصر ما است. متأسفانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدواسیم‌ا از همه این روندها به‌شدت عقب‌مانده است و شاید با داتف بی‌توان گفت برخی از مدیران کشور هنوز پلتفرم‌های رایج داخلی و خارجی در فضای مجازی، به درستی نمی‌شناسند و با آن آشنائی ندارند. ما اصولاً من این تحول عنوان شهروند معاصر، داریم یعنی شهروند دیجیتال و نه آنالوگ. به سبب این است، این شهروند معاصر چه نسبتی با محتوای تولیدشده توسط دستگاه‌های دولتی دارد؟ یعنی «تولیدات رسمی هدایت‌شده چه سهمی در مصرف شهروند دیجیتالی دارد؟» این درمورد این موضوع تروژشی علمی صورت بگیرد. ولی پیش‌بینی این است که بسیار سهم کمی دارد. چون تولیدات هدایت‌شده رسمی به دلیل عقب‌ماندن دولت از ظرفیت رسانه‌ای، جذابیت خاص برای مخاطب جانیات دارد و ادامه حیاتشان هم ممکن است.

- رایسین به این اهداف فاصله زیادی داریم؟**

بله. البته فرصت چندساله‌ام که از دست رفت، چنین روحیه کسب‌وکاری منجر به تولیداتی نمی‌شود که نه خیلی خالص هستند و البته خیلی هم جدا از جامعه نیستند و از سویی مبتذل هم نیستند. درعین‌حال برای مخاطب جانیات دارد و ادامه حیاتشان هم ممکن است.

- اقتصاد سینمای ایران اجازه طی کردن چنین مسیری را می‌دهد؟**

فقد داشتم نمونه‌سازی این مدل را در مرکز شناسایی و با مشارکت بخش خصوصی انجام بدهیم. متأسفانه سینمای ایران بعد از کرونا به شدت فقیر شد، تعداد زیادی فیلم پشت سد اکران داریم و سرمایه‌گذاران از اینکه فیلم‌هایشان اکران نشده،



هم می‌ایستادم. در مواردی گزارش‌هایی در می‌شد با نام‌گذاری‌های انجام می‌شد که جزا از این فیلم با این تهیه‌کننده یا کارگردان حمایت متوج است و نیاز به حوصله و صبر دارد. مشورتی شد بحث می‌توانست متوج است و نیاز به حوصله و صبر دارد. تا به هم‌چندی برسیم، اما نتیجه آن به نظر پرتیر بود. سیاست «شفاف‌سازی بنیاد سینمایی فارابی» یکی از اصول ما در این دوران بود که نه قبل از ما وجود داشت و نه بعد از ما ادامه پیدا کرد. این نوعی از شکل و شمایل و منش مدیریتی بنیاد ایران بود که خدا را شاکرم این اتفاق آن سال‌ها افتاد و با طیف وسیعی از هنرمندان ارتباط داشتیم و ضمن اِعمال شفایبت، پاسخ‌گو عملکردمان هم می‌شدیم. من متجذبی سیاست‌های بنیاد سینمایی فارابی به جلالت بنیاد راه پیدا می‌کردند. حتی گاهی نقدهای تندی تار بنیاد فارابی می‌کردند اما این‌طور نبود که ما در ا فظ به روی یک طیف خاصی باید کنیم و در «دوران پهلوی» می‌شود را می‌توان نمونه‌ای از وضعیت سیاسی-اجتماعی آن دوران توصیف کرد و این هم نگاه دیگری به این فیلم است.

- البته در این دوران فیلم‌های مهمی ساخته شد اما همان‌طور که اشاره کردید ساخت یا ساخت برخی فیلم‌ها با چوایش بسیاری همراه بود و البته نحوه مواجه‌شدن شما با چوایش ساخت برخی فیلم‌ها سیاست شفاف‌سازی» بود. نحوه حمایت از تولید آثار سینمایی در دوران مدیریت شما چطور پیش رفت؟**

در دوره‌ای که ما در بنیاد سینمایی فارابی بودیم، حقیقتاً وقت زیادی صرف تعامل و گفت‌وگو با اهالی سینما می‌شد. سیاست ما به سه صنف مهم داشتیم: فیلم‌هایی که در «کارگردان» و فیلم‌نامه‌های صنعت می‌کردیم. این نشست‌ها تزیینی نه نمایشی نبود. اهالی سینما از نطله‌های مختلف قمری عضو شورایهای فارابی بودند و به مشورت در می‌آمدند. عضویت در شورایهای فارابی با این معنی نبود که کارمند می‌باشند بلکه می‌توانستیم از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش می‌گذاشتم. از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش

چهار مدیر بنیاد سینمایی فارابی تصمیم‌گیری می‌گرفت. به هر حال اداره چنین شورای‌های مشورتی شاید سخت نباشد، چراکه نظرات متوج است و نیاز به حوصله و صبر دارد. تا به هم‌چندی برسیم، اما نتیجه آن به نظر پرتیر بود. سیاست «شفاف‌سازی بنیاد سینمایی فارابی» یکی از اصول ما در این دوران بود که نه قبل از ما وجود داشت و نه بعد از ما ادامه پیدا کرد. این نوعی از شکل و شمایل و منش مدیریتی بنیاد ایران بود که خدا را شاکرم این اتفاق آن سال‌ها افتاد و با طیف وسیعی از هنرمندان ارتباط داشتیم و ضمن اِعمال شفایبت، پاسخ‌گو عملکردمان هم می‌شدیم. من متجذبی سیاست‌های بنیاد سینمایی فارابی به جلالت بنیاد راه پیدا می‌کردند. حتی گاهی نقدهای تندی تار بنیاد فارابی می‌کردند اما این‌طور نبود که ما در ا فظ به روی یک طیف خاصی باید کنیم و در «دوران پهلوی» می‌شود را می‌توان نمونه‌ای از وضعیت سیاسی-اجتماعی آن دوران توصیف کرد و این هم نگاه دیگری به این فیلم است.

● **البته در این دوران فیلم‌های مهمی ساخته شد اما همان‌طور که اشاره کردید ساخت یا ساخت برخی فیلم‌ها با چوایش بسیاری همراه بود و البته نحوه مواجه‌شدن شما با چوایش ساخت برخی فیلم‌ها سیاست شفاف‌سازی» بود. نحوه حمایت از تولید آثار سینمایی در دوران مدیریت شما چطور پیش رفت؟**

در دوره‌ای که ما در بنیاد سینمایی فارابی بودیم، حقیقتاً وقت زیادی صرف تعامل و گفت‌وگو با اهالی سینما می‌شد. سیاست ما به سه صنف مهم داشتیم: فیلم‌هایی که در «کارگردان» و فیلم‌نامه‌های صنعت می‌کردیم. این نشست‌ها تزیینی نه نمایشی نبود. اهالی سینما از نطله‌های مختلف قمری عضو شورایهای فارابی بودند و به مشورت در می‌آمدند. عضویت در شورایهای فارابی با این معنی نبود که کارمند می‌باشند بلکه می‌توانستیم از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش می‌گذاشتم. از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش

چهار مدیر بنیاد سینمایی فارابی تصمیم‌گیری می‌گرفت. به هر حال اداره چنین شورای‌های مشورتی شاید سخت نباشد، چراکه نظرات متوج است و نیاز به حوصله و صبر دارد. تا به هم‌چندی برسیم، اما نتیجه آن به نظر پرتیر بود. سیاست «شفاف‌سازی بنیاد سینمایی فارابی» یکی از اصول ما در این دوران بود که نه قبل از ما وجود داشت و نه بعد از ما ادامه پیدا کرد. این نوعی از شکل و شمایل و منش مدیریتی بنیاد ایران بود که خدا را شاکرم این اتفاق آن سال‌ها افتاد و با طیف وسیعی از هنرمندان ارتباط داشتیم و ضمن اِعمال شفایبت، پاسخ‌گو عملکردمان هم می‌شدیم. من متجذبی سیاست‌های بنیاد سینمایی فارابی به جلالت بنیاد راه پیدا می‌کردند. حتی گاهی نقدهای تندی تار بنیاد فارابی می‌کردند اما این‌طور نبود که ما در ا فظ به روی یک طیف خاصی باید کنیم و در «دوران پهلوی» می‌شود را می‌توان نمونه‌ای از وضعیت سیاسی-اجتماعی آن دوران توصیف کرد و این هم نگاه دیگری به این فیلم است.

● **البته در این دوران فیلم‌های مهمی ساخته شد اما همان‌طور که اشاره کردید ساخت یا ساخت برخی فیلم‌ها با چوایش بسیاری همراه بود و البته نحوه مواجه‌شدن شما با چوایش ساخت برخی فیلم‌ها سیاست شفاف‌سازی» بود. نحوه حمایت از تولید آثار سینمایی در دوران مدیریت شما چطور پیش رفت؟**

در دوره‌ای که ما در بنیاد سینمایی فارابی بودیم، حقیقتاً وقت زیادی صرف تعامل و گفت‌وگو با اهالی سینما می‌شد. سیاست ما به سه صنف مهم داشتیم: فیلم‌هایی که در «کارگردان» و فیلم‌نامه‌های صنعت می‌کردیم. این نشست‌ها تزیینی نه نمایشی نبود. اهالی سینما از نطله‌های مختلف قمری عضو شورایهای فارابی بودند و به مشورت در می‌آمدند. عضویت در شورایهای فارابی با این معنی نبود که کارمند می‌باشند بلکه می‌توانستیم از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش می‌گذاشتم. از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش

علیرضا تابیش در ۹۰ به مدت هفت سال مدیرعاملی بنیاد سینمایی فارابی را عهده‌دار بود و می‌توان گفت بعد از سیدمحمد بهشتی، طولانی‌ترین دوره مدیریت فارابی به نام او ثبت شده است. عضویت در هیئت امای آنجنم سینمای جوان، دبیری شورای معاونان وزارت ارشاد، روابط عمومی وزارت ارشاد و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مشاور رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران، عضو گروه تخصصی سینمای فرهنگستان هنر، دبیر سه دوره جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان و بنیان‌گذاری المپیاد فیلم‌سازان نوجوانان و برگزاری پنج دوره این رویداد، بخشی از کارنامه مدیریتی او در حوزه فرهنگ است. با علیرضا تابیش سیر تاریخی ساخت فیلم‌های سیاسی در سینمای ایران را مرور کردیم. او معتقد است: «در سینمای ایران و کشورهای نظیر ما، باید سیاست» را (از سیاست‌زدگی» جدا کنیم. توجه کنیم که در یک بستر سیاست‌زده از فیلم‌ها تاویل یا تفسیر متفاوتی می‌شود؛ بررسی چگونه ساخت فیلم سیاسی در سینمای ایران، نقش فیلم سینمایی فارابی در حمایت از پروژه‌هایی از این دست و البته بررسی اجمالی دوره مسئولیت او در بنیاد سینمایی فارابی از جمله موضوعات مورد بحث در این گفت‌وواست که شما به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

- **چگونه ساخت فیلم سیاسی در سینمای ایران به نظر بسیاری از اهالی سینما مفهوم گسترده‌ای دارد. تعبیراتی از این دست که اساساً چنین سینمایی در کشورمان وجود ندارد یا در طول دوران، از فیلم‌های اجتماعی صرفی استنباط شده است، سینمای سیاسی از نظر شما چه ویژگی‌هایی دارد؟**
- **این پرسش کمی گزاف می‌دارد و می‌توان گفت بستگی به این دارد که فیلم سیاسی را چگونه تعبیر کنید، زبیداد عباس کیراستی سی سال ۲۰۰۰ در گفت‌وگو با روزنامه «گاردین» به نکته‌ای درباره فیلم‌هایش اشاره کرد. از او درباره اینکه آیا فیلم‌های «صییع وقت» است؟ و آیا در فیلم‌هایش سیاست را دنبال می‌کند؟ سؤال شد، پاسخ داد: «صییع وقت در آثارم برای حزب، گروه یا دستگاهی تصاویر و روایتی در فیلم‌ها من نمی‌بیند، اما کنش حقیقت زنده را می‌نویسم و بیرون کشیدن گوهری باب از دل آن در فیلم‌سازان من جریان دارد. تا وقتی سعی داریم این حقیقت را عریان کنیم، عمل فیلم‌سازی عملی ذاتاً و عیقفاً سیاسی خواهد بود». به‌دلیل بدیهی در گفت‌وگو مهندس سندس بهشتی با این رویانه «شرق» در شمارده‌های پیشین اشاره می‌کنم که به این موضوع اشاره کرد: «خانه دوست کجاست؟» از نظر او سیریس فیلم تاریخ سینمای ایران است. ارجاع مهندس بهشتی را من تا تعبیر عباس کیراستی در گفت‌وگویش با روزنامه «گاردین» این چنین کنار هم قرار می‌دهم.**

بله، حضور فیلم‌سازی متقابل به نامزد انتخاباتی مدنظر که با آگاهی کامل و در یک رقابت ناهوشته، دیدگاه‌های سینمایی‌شان را به فیلم تبدیل می‌کردند. در دهه ۲۰ این نگاه و توجه را هم ماین سینماگران و هم رسانه ملی و هم در گروه‌های سیاسی می‌بینیم. این‌سجده ادامه پیدا کرد تا امروز که در ادوار مختلف مشاورتی کوانستد که در این دهه تلاش تحت تأثیر واقع اجتماعی و سیاسی روز ساخته شد، فیلم متوجی از کارگردان‌های فیلم‌ها را ساختند. برخی از این فیلم‌ها همچنان مشکل اکران دارند یا برخی با مینیرن بسیار راهی اکران شدند یا طول مدت اکرانشان کمتر بود. از سوی دیگر می‌بینیم فیلم «دیون تاریخ» و «فیلم‌نامه‌های من» اصلاً، به با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته و با اسکار معرفی شدند. نقدهایی علیه آن مطرح شد که این فیلم سیاندینی است. درحالی‌که توضیح داده شد که این فیلم یک مبحث جدی اجتماعی را مطرح می‌کند و نمی‌توان اندیشه فیلم‌ساز را به سیاست گرو بزینیم. یا فیلم «من، ساخته سهیل یرفی، در همین راستا فیلم‌هایی مانند «باد و کبرور»، «متری شش‌ونیم»، «فتابی پروانه»، «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، «خانه پری» به نظر از جمله فیلم‌هایی هستند که به اشتباه به آنها برچسب سیاسی زده شد. عده‌ای هم معتقدند حتی فیلمی مثل «فلان‌رضا تختی» را هم می‌توان به شکل دیگری دید. با اینکه قهرمان داستان «تختی» است اما در متن داستان رفتارهایی که با او

می‌تواند «پهلوی» می‌شود را می‌توان نمونه‌ای از وضعیت سیاسی-اجتماعی آن دوران توصیف کرد و این هم نگاه دیگری به این فیلم است.

- **البته در این دوران فیلم‌های مهمی ساخته شد اما همان‌طور که اشاره کردید ساخت یا ساخت برخی فیلم‌ها با چوایش بسیاری همراه بود و البته نحوه مواجه‌شدن شما با چوایش ساخت برخی فیلم‌ها سیاست شفاف‌سازی» بود. نحوه حمایت از تولید آثار سینمایی در دوران مدیریت شما چطور پیش رفت؟**

در دوره‌ای که ما در بنیاد سینمایی فارابی بودیم، حقیقتاً وقت زیادی صرف تعامل و گفت‌وگو با اهالی سینما می‌شد. سیاست ما به سه صنف مهم داشتیم: فیلم‌هایی که در «کارگردان» و فیلم‌نامه‌های صنعت می‌کردیم. این نشست‌ها تزیینی نه نمایشی نبود. اهالی سینما از نطله‌های مختلف قمری عضو شورایهای فارابی بودند و به مشورت در می‌آمدند. عضویت در شورایهای فارابی با این معنی نبود که کارمند می‌باشند بلکه می‌توانستیم از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش می‌گذاشتم. از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش

ساخته می‌شد و مثلاً نامزد‌های ریاست‌جمهوری چند دقیقه‌ای با مردم صحبت می‌کردند، اما از جایی به بعد تبلیغات انتخاباتی به نحوی پیش رفت که ساختن فیلم این‌سجده ادامه پیدا کرد تا امروز که در ادوار مختلف مشاورتی کوانستد که در این دهه تلاش تحت تأثیر واقع اجتماعی و سیاسی روز ساخته شد، فیلم متوجی از کارگردان‌های فیلم‌ها را ساختند. برخی از این فیلم‌ها همچنان مشکل اکران دارند یا برخی با مینیرن بسیار راهی اکران شدند یا طول مدت اکرانشان کمتر بود. از سوی دیگر می‌بینیم فیلم «دیون تاریخ» و «فیلم‌نامه‌های من» اصلاً، به با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته و با اسکار معرفی شدند. نقدهایی علیه آن مطرح شد که این فیلم سیاندینی است. درحالی‌که توضیح داده شد که این فیلم یک مبحث جدی اجتماعی را مطرح می‌کند و نمی‌توان اندیشه فیلم‌ساز را به سیاست گرو بزینیم. یا فیلم «من، ساخته سهیل یرفی، در همین راستا فیلم‌هایی مانند «باد و کبرور»، «متری شش‌ونیم»، «فتابی پروانه»، «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، «خانه پری» به نظر از جمله فیلم‌هایی هستند که به اشتباه به آنها برچسب سیاسی زده شد. عده‌ای هم معتقدند حتی فیلمی مثل «فلان‌رضا تختی» را هم می‌توان به شکل دیگری دید. با اینکه قهرمان داستان «تختی» است اما در متن داستان رفتارهایی که با او

- **چگونه ساخت فیلم سیاسی در سینمای ایران به نظر بسیاری از اهالی سینما مفهوم گسترده‌ای دارد. تعبیراتی از این دست که اساساً چنین سینمایی در کشورمان وجود ندارد یا در طول دوران، از فیلم‌های اجتماعی صرفی استنباط شده است، سینمای سیاسی از نظر شما چه ویژگی‌هایی دارد؟**

این پرسش کمی گزاف می‌دارد و می‌توان گفت بستگی به این دارد که فیلم سیاسی را چگونه تعبیر کنید، زبیداد عباس کیراستی سی سال ۲۰۰۰ در گفت‌وگو با روزنامه «گاردین» به نکته‌ای درباره فیلم‌هایش اشاره کرد. از او درباره اینکه آیا فیلم‌های «صییع وقت» است؟ و آیا در فیلم‌هایش سیاست را دنبال می‌کند؟ سؤال شد، پاسخ داد: «صییع وقت در آثارم برای حزب، گروه یا دستگاهی تصاویر و روایتی در فیلم‌ها من نمی‌بیند، اما کنش حقیقت زنده را می‌نویسم و بیرون کشیدن گوهری باب از دل آن در فیلم‌سازان من جریان دارد. تا وقتی سعی داریم این حقیقت را عریان کنیم، عمل فیلم‌سازی عملی ذاتاً و عیقفاً سیاسی خواهد بود». به‌دلیل بدیهی در گفت‌وگو مهندس سندس بهشتی با این رویانه «شرق» در شمارده‌های پیشین اشاره می‌کنم که به این موضوع اشاره کرد: «خانه دوست کجاست؟» از نظر او سیریس فیلم تاریخ سینمای ایران است. ارجاع مهندس بهشتی را من تا تعبیر عباس کیراستی در گفت‌وگویش با روزنامه «گاردین» این چنین کنار هم قرار می‌دهم.

بله، حضور فیلم‌سازی متقابل به نامزد انتخاباتی مدنظر که با آگاهی کامل و در یک رقابت ناهوشته، دیدگاه‌های سینمایی‌شان را به فیلم تبدیل می‌کردند. در دهه ۲۰ این نگاه و توجه را هم ماین سینماگران و هم رسانه ملی و هم در گروه‌های سیاسی می‌بینیم. این‌سجده ادامه پیدا کرد تا امروز که در ادوار مختلف مشاورتی کوانستد که در این دهه تلاش تحت تأثیر واقع اجتماعی و سیاسی روز ساخته شد، فیلم متوجی از کارگردان‌های فیلم‌ها را ساختند. برخی از این فیلم‌ها همچنان مشکل اکران دارند یا برخی با مینیرن بسیار راهی اکران شدند یا طول مدت اکرانشان کمتر بود. از سوی دیگر می‌بینیم فیلم «دیون تاریخ» و «فیلم‌نامه‌های من» اصلاً، به با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته و با اسکار معرفی شدند. نقدهایی علیه آن مطرح شد که این فیلم سیاندینی است. درحالی‌که توضیح داده شد که این فیلم یک مبحث جدی اجتماعی را مطرح می‌کند و نمی‌توان اندیشه فیلم‌ساز را به سیاست گرو بزینیم. یا فیلم «من، ساخته سهیل یرفی، در همین راستا فیلم‌هایی مانند «باد و کبرور»، «متری شش‌ونیم»، «فتابی پروانه»، «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، «خانه پری» به نظر از جمله فیلم‌هایی هستند که به اشتباه به آنها برچسب سیاسی زده شد. عده‌ای هم معتقدند حتی فیلمی مثل «فلان‌رضا تختی» را هم می‌توان به شکل دیگری دید. با اینکه قهرمان داستان «تختی» است اما در متن داستان رفتارهایی که با او

- **البته در این دوران فیلم‌های مهمی ساخته شد اما همان‌طور که اشاره کردید ساخت یا ساخت برخی فیلم‌ها با چوایش بسیاری همراه بود و البته نحوه مواجه‌شدن شما با چوایش ساخت برخی فیلم‌ها سیاست شفاف‌سازی» بود. نحوه حمایت از تولید آثار سینمایی در دوران مدیریت شما چطور پیش رفت؟**

در دوره‌ای که ما در بنیاد سینمایی فارابی بودیم، حقیقتاً وقت زیادی صرف تعامل و گفت‌وگو با اهالی سینما می‌شد. سیاست ما به سه صنف مهم داشتیم: فیلم‌هایی که در «کارگردان» و فیلم‌نامه‌های صنعت می‌کردیم. این نشست‌ها تزیینی نه نمایشی نبود. اهالی سینما از نطله‌های مختلف قمری عضو شورایهای فارابی بودند و به مشورت در می‌آمدند. عضویت در شورایهای فارابی با این معنی نبود که کارمند می‌باشند بلکه می‌توانستیم از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش می‌گذاشتم. از طرفی جایی که خودم باید تصمیم می‌گرفتم این کار را می‌کردم و پایش



به نظر می‌آید انتخابات ریاست‌جمهوری از نیمه دهه ۷۰ و ۸۰ و شمایل دیگری پیدا کرد. مشخصاً انتخاباتی که به رای مردم در دوم خرداد ۱۳۷۶ منجر شد. نه سال‌ها بعد برای اولین بار نامزد‌ها به سمت ساختن فیلم تبلیغاتی رفتند. نه اینکه سال‌های قبل چنین فیلم‌هایی وجود نداشتند، اما عمدتاً فیلم‌ها در یک استودیوی تخت و ساده صدواسیم‌ا